



گفتارهای

مِنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

دوازده گفتار از آن جناب درباره‌ی شیعه

۱. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحُجَنْدِيُّ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَّاسَانِيِّ، فَجَرَى ذِكْرُ الشَّيْعَةِ، فَقَالَ: لَيْسَ شَيْعَةً أَهْلُ الْبَيْتِ مَنْ يَسُبُّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَلَكِنَّ شَيْعَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ مَنْ إِذَا دُعِيَ إِلَى رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا مِنْهُمُ وَالْآخَرُ مِنْ غَيْرِهِمْ، مَالَ إِلَى الَّذِي هُوَ مِنْهُمْ وَتَرَكَ الْآخَرَ، ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُمَّ أَهْلُ بَيْتِي أَحَقُّ.

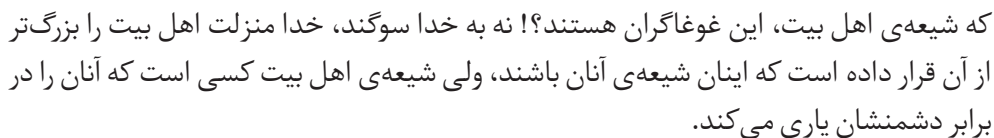
ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: نزد منصور هاشمی خراسانی بودیم که سخن از شیعه به میان آمد، پس فرمود: شیعه‌ی اهل بیت کسی نیست که به ابو بکر و عمر اهانت می‌کند، بل شیعه‌ی اهل بیت کسی است که هرگاه به سوی دو مرد فرا خوانده می‌شود که یکی از آن دو از اهل بیت و دیگری از غیر آنان است، به مردی می‌گراید که از آنان است و دیگری را وا می‌گذارد. سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوندا! اهل بیت من احق هستند.

۲. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ شَيْعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ فَقَدْ هَلَكَ، قُلْتُ: فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ! قَالَ: لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ شَيْعَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ هَؤُلَاءِ الْغَوَّاءُ؟ لَا وَاللَّهِ، قَدْ عَظَّمَ اللَّهُ قَدْرَ أَهْلِ الْبَيْتِ أَنْ يَكُونَ هَؤُلَاءِ شَيْعَتَهُمْ، وَلَكِنَّ شَيْعَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ مَنْ أَعَانَهُمْ عَلَى عَدُوِّهِمْ.

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هر کس از شیعه‌ی اهل بیت نباشد، هلاک شده است، گفتیم: پس إنا لله و إنا إليه راجعون! فرمود: شاید می‌پنداری



٣. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطُّهْرَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمُنْصُورَ يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ، قُلْتُ: الشَّيْعَةُ؟! وَهَلْ لَقِيتَ مِنْ أَحَدٍ مَا لَقِيتَ مِنَ الشَّيْعَةِ؟! فَقَالَ: لَعَلَّكَ تَرَى أَنِّي أُرِيدُ هَؤُلَاءِ السَّفَلَةَ؟! لَا وَاللَّهِ، وَهَلْ هَؤُلَاءِ السَّفَلَةُ إِلَّا قُطِيعٌ مِنَ الثَّعَالِبِ؟! إِنَّمَا شِيعَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ مَنْ إِذَا صَارَ النَّاسُ حِزْبَيْنِ دَخَلَ فِي حِزْبِ أَهْلِ الْبَيْتِ.

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هر کس از شیعه‌ی اهل بیت نباشد، مؤمن نیست، گفتم: شیعه؟! و آیا از احدی دیده‌ای آزاری را که از شیعه دیده‌ای؟! پس فرمود: شاید پنداشته‌ای که مقصود من این فرومایگان هستند؟! نه به خدا سوگند، آیا این فرومایگان چیزی جز گله‌ی روباه‌هایند؟! هرآینه شیعه‌ی اهل بیت کسی است که هرگاه مردم دو دسته می‌شوند، به دسته‌ی اهل بیت می‌پیوندند^۱.

٤. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الدَّمَاعِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَيْسَ شِيعَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ مَنْ يَمْسَحُ رِجْلَيْهِ فِي الْوُضُوءِ وَيُرْسِلُ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ، وَلَكِنَّ شِيعَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ مَنْ إِذَا دُعِيَ إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ مِنْهُمْ لِيَنْصُرَهُ أَجَابَ وَإِنْ غَسَلَ رِجْلَيْهِ فِي الْوُضُوءِ وَقَبَضَ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ، قُلْتُ: أَلَيْسَ يَعْصِي أَهْلَ الْبَيْتِ فِيهِمَا؟! فَتَنَزَّلَ إِلَيَّ نَظَرٌ مُغْضَبٌ، فَقَالَ: يُطِيعُهُمْ فِي أَكْثَرِ مِنْهُمَا! أَلَا يَعْصِيهِمْ هَؤُلَاءِ الْمُخْتَلِئُونَ فِي شَيْءٍ -يَعْنِي الشَّيْعَةَ؟! وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنْ يَكُونُوا فِيهِمْ عَشْرَةُ رِجَالٍ يَعْرِفُونَ مَا كَانَ عَلَيْهِ أَهْلُ الْبَيْتِ وَيُطِيعُونَهُمْ! يَمْسَحُونَ أَرْجُلَهُمْ فِي الْوُضُوءِ وَيُرْسِلُونَ أَيْدِيَهُمْ فِي الصَّلَاةِ، ثُمَّ إِذَا دُعُوا إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ مِنْهُمْ لِيَنْصُرُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُصُونَ! أَيُطَمَعُونَ أَنْ يَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِأَنَّهُمْ يَتَمَتَّعُونَ بِالنِّسَاءِ؟! لَا وَاللَّهِ، لَيْسَ هَؤُلَاءِ شِيعَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ!

ترجمه‌ی گفتار:

علی بن اسماعیل دامغانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: شیعه‌ی اهل بیت کسی نیست که پاهایش را در وضو مسح می‌کند و دستانش را در نماز می‌اندازد، بل شیعه‌ی اهل بیت کسی است که هرگاه به سوی امامی عادل از آنان دعوت می‌شود تا یاری‌اش کند، اجابت می‌کند، اگرچه پاهایش را در وضو بشوید و دستانش را در نماز بگیرد، گفتم: آیا نه این است که

۱. برای درک بهتر این فقرات بسیار مهم، به پرسش و پاسخ ۲۵۷ مراجعه کنید.

اهل بیت را در این دو نافرمانی می‌کند؟! پس نگاهی از روی خشم به من افکند و فرمود: آنان را در چیزی بزرگ‌تر از این دو فرمان می‌برد! آیا این خودپسندان -یعنی شیعیان- آنان را در چیزی نافرمانی نمی‌کنند؟! به خدا سوگند دوست داشتم که در میانشان ده مرد باشند که بدانند اهل بیت بر چه چیزی بودند و آنان را فرمان برند! پاهایشان را در وضو مسح می‌کنند و دستانشان را در نماز می‌اندازند، ولی چون به سوی امامی عادل از آنان دعوت می‌شوند تا یاری‌اش کنند، آن گاه روی می‌گردانند! آیا طمع دارند که به بهشت درآیند به این دلیل که زنان را متعه می‌کنند؟! نه به خدا سوگند، اینان شیعه‌ی اهل بیت نیستند!

۵. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّا نُكَلِّمُ الشَّيْعَةَ وَالسُّنَّةَ وَالسَّلَفِيَّةَ وَالصُّوفِيَّةَ وَالْقُرْآنِيَّةَ وَكُلَّ صِنْفٍ مِنْ أَصْنَافِ النَّاسِ وَلَا نَجِدُ فِيهِمْ أَوْعَفَّ عَقْلاً، وَلَا أَقْلَّ أَدَباً، وَلَا أَسْوَأَ خُلُقاً، وَلَا أَكْثَرَ كِذْباً، وَلَا أَكْبَرَ بُهْتَاناً، وَلَا أَشَدَّ عَدَاوَةً لَكَ وَمَوَدَّةً لِلظَّالِمِينَ مِنَ الشَّيْعَةِ! فَكَسَّ الْمَنْصُورُ رَأْسَهُ وَظَهَرَ فِي وَجْهِهِ حُزْنٌ عَظِيمٌ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لَيُبْدِيَنَّ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ الشَّيْعَةِ مَا كَانَ يَخْفَى! فَقَالَ: كَانَ فِي الشَّيْعَةِ مُحَاسِنٌ كَثِيرَةٌ مَا دَامَ عَلَيَّ فِيهِمْ، فَلَمَّا قُتِلَ -رَحِمَهُ اللَّهُ- وَهَنُوا وَضَعُفُوا وَاسْتَكَانُوا وَعَرَّتْهُمْ الْأَمَانِيُّ وَشَاعَ فِيهِمُ الْفُسُوقُ حَتَّى لَمْ يَبْقَ مِنْ مُحَاسِنِهِمْ إِلَّا اثْنَانِ، وَكَانَا يُحِبَّابَيْنَاهُمَا إِلَيْنَا مَعَ كَثْرَةِ قَبَائِحِهِمْ، وَهُمَا إِخْلَاصُ الْوَلَايَةِ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَمُدَارَاةُ النَّاسِ بِالْكِتْمَانِ، فَكُنَّا نَصِيرُ عَلَى قَبَائِحِهِمْ لِأَجْلِهِمَا وَنَقُولُ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُمْ، فَلَمَّا وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ وَطَالَتِ الْفِتْرَةُ، ذَهَبَتْ مُحَاسِنُهُمْ كُلُّهَا وَبَقِيَتْ قَبَائِحُهُمْ! فَصَارُوا يَتَّخِذُونَ الْوَلَايَةَ وَهَيْتُكَوْنَ السُّتُورَ وَيَفْتَحُمُونَ الْبِدْعَ وَالْأَقَامَ! فَهُمْ الْيَوْمَ شَرٌّ لَا خَيْرَ فِيهِ! فَقَاتَلَ اللَّهُ طَائِفَةً خَرَجُوا مِنَ الثُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ وَسَقَطُوا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ فَوْقِ السَّمَاءِ!

ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: ما با شیعه و اهل سنت و سلفی‌ها و صوفی‌ها و قرآنی‌ها و هر صنفی از اصناف مردم گفتگو می‌کنیم، ولی در میان آن‌ها کسی را نمی‌یابیم که از شیعه، عقلی ضعیف‌تر و ادبی کمتر و اخلاقی بدتر و دروغی بیشتر و تهمتی بزرگ‌تر و عداوتی شدیدتر نسبت به تو و گرایشی شدیدتر نسبت به ظالمان داشته باشد! پس منصور سرش را به زیر افکند و در رویش غمی عظیم نمایان شد، پس با خود گفتم: امروز درباره‌ی شیعه چیزی را آشکار می‌کند که تا کنون پوشیده بود! پس فرمود: در شیعه خوبی‌های فراوانی وجود داشت تا هنگامی که علی در میانشان بود، پس چون او که خداوند رحمتش کند کشته شد، سست شدند و ضعیف گشتند و فرو ریختند و آرزوها فرییشان داد و فسق در میانشان شیوع یافت، تا اینکه از خوبی‌هایشان جز دو چیز باقی نماند و آن دو چیز، آنان را با همه‌ی بدی‌هایشان نزد ما محبوب می‌کرد

و آن دو چیز، منحصر ساختن ولایت به اهل بیت و مدارا کردن با مردم از طریق کتمان بود. پس ما به خاطر این دو چیز بر بدی های آنان صبر می کردیم و می گفتیم که خداوند آنان را می بخشاید. پس چون غیبت واقع شد و فترت به درازا کشید، خوبی های آنان از بین رفت و بدی هاشان باقی ماند! پس به کسانی تبدیل شدند که پیشوایان گوناگون می گیرند و پرده ها را می درند و در بدعت ها و گناهان فرو می روند! پس امروز آنان شری هستند که هیچ خیری در آن نیست! خداوند بکشد گروهی را که از نور به تاریکی درآمدند و از بالای آسمان ها به زمین افتادند!

۶. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ هَؤُلَاءِ الْأَقَاعِي يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَأَنِّي لَسْتُ مِنْ شِيعَتِهِ! فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا! إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ مَنْ يَخْذُو حَدِيثَهُ وَيَتَخَلَّقُ بِأَخْلَاقِهِ، وَكَانَ عَلِيٌّ لَا يَكْذِبُ، وَلَا يَهْتُ، وَلَا يَقْذِفُ، وَلَا يَسُبُّ، وَلَا يُبَيِّرُ الْفِتْنَةَ، وَلَا يُغَرِّي الْعَدَاوَةَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، وَلَا يَلْعَنُ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ، وَلَا يَزِي عَائِشَةَ بِالْقَبِيحِ، وَلَا يُكْفِرُ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ، وَلَا يَنْسِبُ أَهْلَ بَدْرٍ إِلَى التَّفَاقُ، وَلَا يَرْضَى بِالْعُلُوِّ فِي نَفْسِهِ، وَلَا يَقُولُ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ، وَلَا يَقُولُ أَنَّ الْخَلْقَ مُفَوَّضٌ إِلَيَّ أَنْتَصِرَفَ فِيهِ بِمَا أَشَاءُ، وَلَا يَلْطُمُ نَفْسَهُ عِنْدَ مُصِيبَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْ مُصِيبَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَلَا يَدْعُوهُمَا بِالْغَيْبِ لِيَقْضِيَا حَوَائِجَهُ، وَلَا يَأْمُرُ بِتَقْلِيدِ النَّاسِ، وَلَا يَجْعَلُ لَهُمْ وَلَايَةً كَوَلَايَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَلَا يَقُولُ أَنَّ حِفْظَ مُلْكِهِ أَوْلَى مِنْ حِفْظِ الْإِسْلَامِ، بَلْ تَرَكَ الْمُلْكَ لِيَحْفَظَ الْإِسْلَامَ، وَلَا يَسْتَحِلُّ مُحَالَفَةَ الْقُرْآنِ وَالسُّنَّةِ لِمَصْلَحَةِ دُنْيَاهُ، وَلَا يَرْضَى بِالذُّلِّ، وَلَا يَسْتَعِينُ بِالْكَافِرِينَ، وَلَا يُعِينُ الظَّالِمِينَ عَلَى ظُلْمِهِمْ، وَلَا يُصَانِعُهُمْ طَمَعًا فِي دُنْيَاهُمْ أَوْ خَوْفًا مِنْ قَلِيلِ الْأَذَى يُسَمِّي ذَلِكَ تَقِيَّةً، وَلَا يَأْخُذُ بِحَبْرِ يَرْوِيهِ وَاحِدٌ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا أَنْ يَسْتَحْلِفَهُ فَيَحْلِفَ لَهُ، وَلَا يَفْعَلُ كَثِيرًا غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَفْعَلُ هَؤُلَاءِ وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلْيَزِجُوا الْآنَ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَلْيَقْضُوا مَنْ أَشْبَهَنَا بِعَلِيٍّ؟ هُمْ أَمْ أَنَا؟ فَإِنْ شَهِدَتْ قُلُوبُهُمْ وَاعْتَرَفَتْ صَمَائِرُهُمْ بِأَنِّي أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِعَلِيٍّ، فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَكُفُّوا عَن سَبِّي وَظُلْمِي وَعَدَاوَتِي وَتَحْرِيبِ النَّاسِ عَلَيَّ وَأَخْذِ أَصْحَابِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَحَبْسِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ، فَإِنِّي أَدْعُوهُمْ إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ مِنْ ذُرِّيَةِ عَلِيٍّ وَهُمْ أَوْلَى النَّاسِ بِإِجَابَةِ دَعْوَتِي وَالْمُسَارَعَةِ فِي نُصْرَتِي إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ، وَلَكِنَّهُمْ مُحِبُّوْنَ عَلَى الْكِبْذِ وَالنَّعْصِ وَالْكِبَرِ وَيُسَاقُوتُنِي ﴿حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

ترجمه ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می فرماید: این افعی ها می پندارند که آنان شیعه ی علی هستند و من شیعه ی علی نیستم! به راستی که به ستم و یاوه روی آورده اند!



هرآینه شیعه‌ی علی کسی است که پا بر جای پای او می‌نهد و به اخلاق او متخلق است و هرآینه علی دروغ نمی‌گفت و تهمت نمی‌زد و قذف نمی‌کرد و دشنام نمی‌داد و فتنه نمی‌انگیخت و میان مسلمانان دشمنی نمی‌افروخت و ابو بکر و عمر و عثمان را لعن نمی‌کرد و به عایشه نسبت قبیح نمی‌داد و مهاجران و انصار را کافر نمی‌شمرد و اهل بدر را منافق نمی‌انگاشت و به غلو درباره‌ی خود راضی نبود و نمی‌گفت که من علم غیب دارم و نمی‌گفت که مخلوقات به من واگذار شده‌اند و هر تصرفی که بخواهم در آن‌ها می‌کنم^۱ و در مصیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا مصیبت فاطمه علیها السلام خود را نمی‌زد و آن دور را در جایی که نبودند نمی‌خواند تا حوائجش را برآورده سازند و به تقلید از مردم امر نمی‌کرد و برای آنان ولایتی چون ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار نمی‌داد و نمی‌گفت که حفظ حکومتش از حفظ اسلام سزاوارتر است، بلکه حکومت را رها کرد تا اسلام را حفظ کند و مخالفت با قرآن و سنت برای مصلحت دنیایش را حلال نمی‌دانست و به ذلت تن نمی‌داد و از کافران یاری نمی‌گرفت و ظالمان را در ظلمشان یاری نمی‌رساند و با آنان به طمع دنیایشان یا از بیم اندک آزاری سازش نمی‌کرد که نام آن را تقیه بگذارد و به خبری که یک تن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کرد اخذ نمی‌نمود مگر اینکه او را قسم دهد و او برایش قسم خورد و بسیاری کارهای دیگر را انجام نمی‌داد که اینان انجام می‌دهند و من از همه‌ی آن‌ها مبّرأ هستم. پس اینک به خود رجوع کنند و قضاوت کنند که کدام یک از ما به علی شبیه‌تر است؟! آنان یا من؟! پس اگر دل‌هاشان گواهی داد و وجدانشان اعتراف کرد که من از آنان به علی شبیه‌ترم، پس باید از خداوند بترسند و از اهانت به من و ظلم به من و دشمنی با من و برانگیختن مردم بر ضدّ من و گرفتن و حبس کردن یارانم و دوستدارانم به غیر حق دست بردارند؛ چراکه من آنان را به سوی امامی عادل از ذریه‌ی علی فرا می‌خوانم و آنان سزاوارترین مردم به اجابت دعوتم و شتافتن به نصرتم هستند اگر راست می‌گویند، ولی واقع این است که آنان با دروغ و تعصب و تکبر سرشته شده‌اند و با من دشمنی می‌کنند «از روی حسدی که در جان‌هاشان است، پس از اینکه حق برایشان آشکار شد، پس چشم بپوشید و مدارا کنید تا آن گاه که امر خداوند برسد، به راستی که خداوند بر هر کاری تواناست».

۷. أَخْبَرَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجُوزْجَانِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: لَا أَرَى مَعَكَ مِنَ الشَّيْعَةِ إِلَّا كُلَّ ضَعِيفٍ وَضَعِيفَةٍ! فَأَيْنَ فَضْلَاؤُهَا وَشُجْعَانُهَا؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ اللَّصُوصَ بِإِيرَانَ سَبَقُونِي إِلَى الشَّيْعَةِ، فَتَهَبُوا كُنُوزَهَا وَأَفْسِدُوا مَعَادِنَهَا، وَلَمْ يَثْرِكُوا لِي إِلَّا الْحَجَرُ وَالْمَدْرَأُ أَلَا وَاللَّهِ لَئِنْ وَجَدْتُ عَلَيْهِمْ أَعْوَانًا لَكَانَ لَهُمْ مِنِّي يَوْمَ عَسِيرٍ!

۱. اشاره به عقیده‌ی شیعه درباره‌ی «ولایت تکوینی» است.



ما دوستدار او هستیم! فرمود: در این صورت کسی را دوست می‌دارید که نمی‌شناسید و اگر او را می‌شناختید دشمنش می‌داشتید، همان طور که کسانی مانند شما که از او پیروی نمی‌کردند دشمنش داشتند، پس آنان را به سختی کشت! پس سخنش را انکار کردند و بزرگ شمردند، پس فرمود: آیا نصرانی‌ها نیستند که مسیح را دوست می‌دارند، در حالی که از او پیروی نمی‌کنند؟! شما نیز همین طور، علی را دوست می‌دارید، در حالی که از او پیروی نمی‌کنید! بدانید روزی که مسیح به دنیا باز می‌گردد نصرانی‌ها را به سختی می‌کشد! پس جماعت سکوت کردند، چنانکه گویی سنگی در دهانشان نهاده شد و منصور پنداشت که آنان با سخن او ترسیده‌اند و به خودشان آمده‌اند، پس به آنان فرمود: به سوی خداوند توبه کنید ای جاهلان؛ چرا که به خدا سوگند در شما از تشیع علی چیزی جز نام آن را نمی‌بینم و اگر به همین صورت بمانید بی‌ارزش‌ترین مردم نزد مهدی خواهید بود! سپس از میان آنان برخاست، تا اینکه به دروازه رسید، پس روی خود را به سویشان بازگرداند و فرمود: دروغ می‌گوید کسی که خود را شیعه‌ی علی می‌پندارد، در حالی که از کسی جز مهدی جانبداری می‌کند!

۹. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّيرَازِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ شَيْءٍ مِنْ سِيرَةِ الْمُهَدِيِّ، فَقَالَ لِي: مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ الطَّيَّارَةُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: وَمَا الطَّيَّارَةُ؟! قَالَ: الشَّيْعَةُ، قُلْتُ: يَقُولُونَ إِذَا قَامَ الْمُهَدِيُّ قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا إِلَّا الشَّيْعَةَ! فَقَالَ: لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، وَلَكِنْ إِذَا قَامَ الْمُهَدِيُّ بَدَأَ بِكَذَابِ الشَّيْعَةِ فَقَتَلَهُمْ!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی چیزی از سیره‌ی مهدی پرسیدم، پس فرمود: این پرواز کنندگان نزد شما چه می‌گویند؟! گفتم: پرواز کنندگان چه کسانی هستند؟! فرمود: شیعه، گفتم: می‌گویند که مهدی هرگاه قیام کند، همه‌ی مردم را می‌کشد به جز شیعه! فرمود: چنین نیست که می‌گویند، بلکه مهدی هرگاه قیام کند، از کذابان شیعه آغاز می‌کند، پس آنان را می‌کشد!

۱۰. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ مَسَاءَ يَوْمٍ، فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمُهَدِيِّ كَيْفَ أَمْسَى؟ فَقَالَ: أَلَا وَاللَّهِ لَقَدْ أَمْسَى وَمَا أَحَدٌ أَعَدَى لَهُ مِنْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَهُ! ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْمُتَشَيْعِينَ لَمَنْ هُوَ شَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا! قُلْتُ: وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا؟! قَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ وَهُمْ الَّذِينَ يَسُبُّونَ الْمُهَدِيَّ! قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! وَمَنْ يَسُبُّ مِنْهُمْ الْمُهَدِيَّ؟! قَالَ: الَّذِينَ يَسُبُّونَنِي وَهُمْ يَعْلَمُونَ أَنِّي أَدْعُوهُمْ إِلَى الْمُهَدِيِّ، فَيَسُبُّونَ بِذَلِكَ الْمُهَدِيَّ!

۱. مراد آن جناب از «پرواز کنندگان»، غلو کنندگانند.

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: در شامگاه روزی به نزد منصور آمدم، پس از او درباره‌ی مهدی پرسیدم که چگونه شام کرده است؟ پس فرمود: آگاه باش که به خدا سوگند در حالی شام کرده است که احدی با او دشمن‌تر از کسانی نیست که خود را دوستدار او می‌شمارند! سپس فرمود: هرآینه از مدعیان تشیع کسانی هستند که از یهود و نصارا و مجوس و کسانی که مشرکند بدترند! گفتم: و کسانی که مشرکند؟! فرمود: آری به خدا سوگند و آنان کسانی هستند که به مهدی اهانت می‌کنند! گفتم: سبحان الله! چه کسی از آنان به مهدی اهانت می‌کند؟! فرمود: کسانی که به من اهانت می‌کنند در حالی که می‌دانند من آنان را به سوی مهدی دعوت می‌کنم، پس با این کار خود به مهدی اهانت می‌کنند.

۱۱. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: كُنَّا مَعَ الْمَنْصُورِ فِي طَرِيقٍ، فَمَرَّ عَلَيْنَا رَجُلٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَهُمْ يَضْرِبُونَ صُدُورَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَيَقُولُونَ: لَبَّيْكَ يَا حُسَيْنُ! لَبَّيْكَ يَا حُسَيْنُ! فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: أَلَا إِنَّ الْحُسَيْنَ لَبَرِيءٌ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأَ مِنْهُمْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ! قُلْنَا: وَهَلْ تَبَرَّأَ مِنْهُمْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ؟! قَالَ: نَعَمْ، بَلَّغَهُ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَقُولُونَ: لَبَّيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ! فَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ وَقَالَ: مَا كَأَنْتَ تَلْبِيَةُ الْأَنْبِيَاءِ هَكَذَا! إِنَّمَا لَبَّيْتُ بِلَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ! ثُمَّ قَالَ الْمَنْصُورُ: أَمَّا وَاللَّهِ لَوْلَا هَؤُلَاءِ السَّفَلَةُ لَدَخَلَ النَّاسُ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَفْوَاجًا، وَلَكِنَّهُمْ بَدَّلُوهُ وَقَبَّحُوهُ وَبَغَّضُوهُ!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: به همراه منصور در راهی بودیم، پس مردانی از شیعه بر ما گذشتند که بر سینه‌ها و پشت‌های خود می‌زدند و می‌گفتند: لبیک یا حسین! لبیک یا حسین! پس به ما روی کرد و فرمود: بدانید که حسین از اینان بری است، همان طور که جعفر بن محمد از آنان برائت جست! گفتم: آیا جعفر بن محمد از آنان برائت جست؟! فرمود: آری، به او رسید که مردانی از اهل کوفه می‌گویند: لبیک یا جعفر بن محمد لبیک! پس از آنان برائت جست و فرمود: لبیک گفتن پیامبران این گونه نبود، آنان می‌گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»! سپس منصور فرمود: بدانید که به خدا سوگند اگر این فرومایگان نبودند، مردم دسته دسته در این امر داخل می‌شدند، ولی اینان آن را دگرگون کردند و زشت نمودند و منفور ساختند!

۱۲. أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطَّهْرَانِيُّ، قَالَ: جَاءَ إِلَى الْمَنْصُورِ رَجُلٌ مِنَ الشَّيْعَةِ، فَقَالَ لَهُمْ: مَا جَاءَ بِكُمْ؟ قَالُوا: جِئْنَا لِنُتَاطِرَكَ! فَقَالَ: إِنِّي لَا أَنَاظِرُ غَيْرَ عُلَمَائِكُمْ، قَالُوا: نَحْنُ مِنَ الْعُلَمَاءِ، فَقَالَ:

۱. منظور تشیع اهل بیت است.

أَتَرُونَ أَنِّي لَا أَعْرِفُ عُلَمَاءَكُمْ مِنْ جُهَالِكُمْ؟ مَنْ اعْتَادَ الْجَمْعَ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فَهُوَ مِنْ جُهَالِكُمْ، أَفِيكُمْ رَجُلٌ يُفَرِّقُ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: فَادْهَبُوا، فَإِنِّي لَا أَنَظِرُ غَيْرَ عُلَمَائِكُمْ!

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: مردانی از شیعه به نزد منصور آمدند، پس به آنان فرمود: چه چیزی شما را به اینجا آورده است؟ گفتند: آمده‌ایم تا با تو مناظره کنیم! پس فرمود: من با غیر عالمانتان مناظره نمی‌کنم، گفتند: ما از عالمان هستیم، پس فرمود: آیا می‌پندارید که من عالمانتان را از جاهلانتان نمی‌شناسم؟! هر کس به جمع کردن دو نماز معتاد است از جاهلان شماس، پس آیا کسی در میان شما هست که جدا بگذارد؟ گفتند: نه، فرمود: پس بروید؛ چرا که من با غیر عالمانتان مناظره نمی‌کنم!

شرح گفتار:

این گفتارهای ژرف و تکان دهنده، با فصاحت بی‌نظیر و صراحت شگفت‌انگیز خود، تفاوت عظیم موجود میان شیعه‌ی حقیقی اهل بیت و شیعه‌ی پوشالین و دروغین را فاش می‌سازد و طشت رسوایی شیعه‌ی سفله‌پرور و روباه‌پرور و افعی‌پرور را از بام می‌اندازد و غرور و تکبر آن را چنان در هم می‌شکند که تا قیامت ترمیم نخواهد شد!

سلام و رحمت خداوند بر منصور هاشمی خراسانی، این چراغ تابان، که چنین بی‌عیب و بی‌آلایش، تاریکی جهل و گمراهی را می‌شکافد و نقاب از روی منافقان و مزوران می‌اندازد و زمینه‌ی ظهور مهدی را فراهم می‌سازد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی



۱. یعنی نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیس‌بوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.